

## آن چه مدنی ست، سیاسی ست!

لاله حسین پور

40 سال آزرگار حاکمیت یک رژیم دیکتاتور، مستبد و توتالیتر به همگان ثابت کرده است که دم و بازدم نیز در این هوای بسته، ماهیتی سیاسی به خود می گیرد. نمی توان ادعا کرد که فعالیت مدنی در ایران ربطی به سیاست ندارد. تا زمانی که هرگونه حرکت در جامعه، گوشه ای از اعتقادات حاکمیت را نشانه می گیرد و در مقابل آن می ایستد، ماهیت آن خواهی نخواهی سیاسی می شود و کیفیتی ست در جهت ضربه زدن به این رژیم و مستحق سرکوب، زندان و مرگ، چه با اعدام و چه با وادار کردن به خودکشی. چه کسی تصور می کرد که فعالین حمایت از محیط زیست، نگرانان کمبود آب، عاشقان پلنگ و حامیان درخت ها اکنون در زندان در انتظار یک صحنه خودکشی، اعدام و یا حبس های طولانی مدت باشند؟ چگونه می توان گمان کرد که حرکتی حق طلبانه، تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی می تواند سیاسی نشود.

بیایید از حجاب اجباری سخن بگوییم. آیا می توان صحبت از حق آزادی پوشش کرد و تلاش برای دست یابی به این حق را سیاسی نکرد؟ آن جا که مطالبه ای با هویت یک حکومت گره می خورد، حتی صحبت در آن باره نیز سیاسی می شود. چنان که بحث درباره حق سقط جنین برای یک زن، نه تنها در ایران، بلکه به ویژه در کشورهای کاتولیک، تبدیل به یک جنگ تمام عیار سیاسی میان مخالفین و موافقین آن می شود. بنا براین جنبش های مدنی که با منافع و موجودیت یک حکومت درگیر می شوند، به سرعت خصلتی سیاسی به خود می گیرند. وقتی حاکمیتی تحمل شنیدن صدای فریاد یک کارگر به خاطر دست مزد عقب مانده اش را ندارد و او را در سیاه چال های خود به زنجیر می کشد، وقتی موهای افشان یک زن، چهارچوب حاکمیتش را به لرزه می اندازد، چطور می توان از سیاسی نشدن فعالیت مدنی سخن گفت؟ دیگر در اراده من و تو نیست که مایل باشیم کنش گری های مدنی را سیاسی نکنیم. هر چه عرصه بر رژیم تنگ تر می شود، واکنش ها نیز پرننگ تر می شوند. باید اعتراف کرد که سرکوب، دستگیری و کشتار در مقابل با جنبش های مختلف اجتماعی، تنها و تنها راهی ست که رژیم برای حفظ و بقای خود در پیش دارد. هر عقب نشینی در مقابل مطالبات مدنی در جامعه، رژیم را به پرتگاه نزدیک تر می کند و حکومت جمهوری اسلامی این را به خوبی می داند.

در چنین شرایطی چه می توان کرد؟ آیا می توان شعار سیاسی نکردن حرکت های مدنی و

اجتماعی را داد؟ آیا با انقلاب هراسی و سیاسی هراسی و مارک پوپولیسم، می توان دست کنش گران

را از پشت بست و منتظر "میانجی" های شناسنامه دار شد؟ آن هم جریان هایی که شناسنامه شان رنگ مشخصی دارد و نه هر رنگی و نه رنگارنگ.

چگونه انتظار- دارید امر مبارزه با حجاب اجباری که از فردای انقلاب شروع شد و بلاوقته ادامه پیدا کرد و اکنون که به گستردگی قابل ملاحظه ای رسیده است، توقف کرده و وارد بحث های سیاسی نشود، آرام شود و پرچم سازی نکند، مشکل را پیچیده تر نکرده و منتظر نهادی خاص برای پیوستن به آن باشد؟ مگر نه این که حق آزادی پوشش در تمام این سال ها، یا با سکوت و بی اعتنایی مواجه شد و یا با خوار- و خفیف و درجه چندم دانستن این درخواست و یا با شعار اولویت نداشتن از جانب همین نهادها و همین میانجی ها و نخبگان به گوشه ای پرت شد. گویا مطالبه حق آزادی پوشش مانعی برای رسیدن به سایر حقوق زنان محسوب می شود، گویا زنان با رسیدن به این مطالبه از دیگر مطالبات خود چشم می پوشند..... حتی رژیم نیز به خوبی می داند که مبارزه برای دست یابی به حق آزادی پوشش، گام اول محسوب شده و زنان، دیگر حاضر به عقب نشینی نخواهند بود.

گفته می شود، عمل دختران خیابان انقلاب، یک مطالبه فردی و خود محور بوده و نمودی از گسترش سرسام آور گوشی های هوشمند و فیلم ها و ویدئوهای خارجی هست و به این دلیل دختران تمایل به مدگرایی- و مصرف گرایی پیدا کرده و این پدیده سلفی و عکس محوری هست که باعث اعتراض به حجاب اجباری گشته و اکنون درخواست رفع حجاب اجباری از دایره یک حق فراتر-رفته و تبدیل به هویت فردی شده است. عجب! عجب استدلال آشنایی!!!!

ابتدا بیابید راجع به هویت فردی صحبت کنیم. زمانی که هویت یک انسان به عنوان فرد له می شود و فرد، تنها در جمع معنا می یابد، نقش انسان در چهارچوب "گونی- سبب زمینی" محدود شده و جمع نیز تنها کمکی می شود برای بالا بردن "نخبگان" در جایگاه قدرت. تنها زمانی یک جامعه ی آگاه و پویا خواهیم داشت که فرد بتواند در آن جمع شکوفا شده، به خود شناسی و خودآگاهی رسیده و نیازها و آمال و خواسته های خود را فرموله کرده و برای رسیدن به آن ها فعالانه حرکت کند.

درباره رسانه ها نیز نمی توان شکی در نقش آگاه گرانه و روشن گرانه آن ها داشت، حال چه مثبت و چه منفی. اهمیت آن ها در راز زدایی و توده ای کردن آگاهی ست. اطلاعات و سری کردن آن ها وسیله ای ست در دستان قدرت. باید گفت منحصر- کردن اطلاعات و علم و آگاهی، قدرت ساز است. حال با وجود رسانه های متعددی که عمدتاً در اختیار حکومت گران نیستند، دیگر اطلاعات و دانش در حد بسیار- زیادی از انحصار- قدرت و نخبگان به در آمده و گستردگی رسانه های مجازی نقش

جدی در کم کردن تبعیض آگاهی و دانایی داشته است که اساسا ناشی از تبعیض طبقاتی و الیه پروری بوده و هم چنان با تفاوت گذاری ها و ارزش گذاری ها نقش بسیار مخربی در شکوفایی انسان در جوامع ایفا می کند.

و اما در مورد مطالبه حق آزادی پوشش و اولویت داشتن یا نداشتن آن، باید خاطر نشان کرد که زنان نیز همانند مردان از طبقات و اقشار و لایه های مختلف جامعه بوده و بنا به جایگاهی که در لایه های جامعه دارند و هم چنین بنا به جغرافیای زندگی شان، مطالبات متعلق به خود را دارا هستند و قرار- نیست اهمیت این مطالبات درجه بندی شده و با اولویت به یک مطالبه، سایر مطالبات را در زیر پرونده های قطور، خاک خور- کنیم. جنبش زنان نیز همانند سایر جنبش های اجتماعی کثرت پذیر بوده و هر یک مطالبات و ویژگی های مختص به خود را خواهند داشت.

8مارس 2019/1397

<https://lalehoseynpour.wordpress.com>